



■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار

■ مدیر تحریریه: شهرام فرهنگچی
■ معاونان سردبیر: علی‌عمادی، شاهین امین

■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سامانی
■ دبیر عکس: امیر پناهیور

■ سیاسی و دیپلماتیک: ■ مدیر: حسین راجلو
■ شهرنگار: ■ مدیر: پروانه بهرام‌پژاد
■ اقتصاد: ■ مدیر: مریم باقرپور

■ سرزمین من: ■ مدیر: سید زهرا عباسی
■ دبیر: زهرا رافعی

■ تدرستی: ■ مدیر: جواد نصرتی
■ دبیر: مریم سرخوش

■ سرخ: ■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری

■ دانشگاه: ■ مدیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا خالجي

■ جامعه: ■ مدیر: مسعود میر
■ دبیر: فاطمه عسکری‌نیا

■ سربلین آنلاین: ■ مدیر: سعید مروتی
■ دبیر: علیرضا محمودی

■ مشقه آخر: ■ دبیر: عباسی محمدی

■ سرگرمی: ■ مدیر: فرام شیرزادی
■ دبیر: ساسان شادمان

■ طرح و گرافیک: ■ دبیر: محمدعلی خلیلی

■ سربلین آنلاین: ■ مدیر: سلطنت‌پور
■ دبیر: سلطنت‌پور

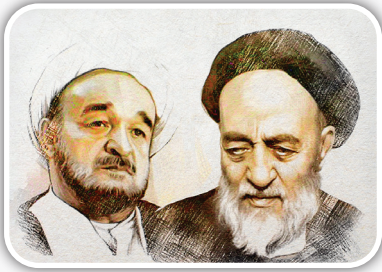
■ معاونان آنلاین: ■ مدیر: صادق
■ دبیر: یارنجی، حامد فوقانی

■ مدیر فضای مجازی: ■ زهرا سادات بهشتی
■ مدیر پخش زنده: ■ امیرحسین محمد دوست

■ مدیر تولید تلویزیون: ■ الهه سادات بهشتی

در جست‌وجوی معنا

وقتی انسان وهستی هدفمند است



در حوزه فلسفه و مخصوصا در حوزه فیلسوفان معاصر ایرانی، معناجویی تحت عنوان هدف زندگی مطرح بوده است. حتی فیلسوفان رسم داشته‌اند که بعد از رسیدن به جایگاهی، کتاب یا کتاب‌ها و جزوه‌هایی درباره هدف زندگی می‌نوشته‌اند. در این باره علامه محمدتقی جعفری و علامه محمدحسین طباطبایی نیز نکته‌های جالب و بدیعی مطرح کرده‌اند. علامه جعفری معتقد بود که انسان برای کشف معنای واقعی زندگی، باید از خود طبیعی‌اش فاصله بگیرد و اساسا درک این معنای واقعی، تنها در این صورت اتفاق می‌افتد. به تعبیر این فیلسوف، زیستن در حیات معقول می‌تواند همان زیستن در حیات معنادار باشد. از سوی دیگر، به روایت علامه طباطبایی، معنا در زندگی می‌تواند در مفاهیمی چون زیستن در علم و آگاهی، پایبندی به اخلاق و رفتار انسانی، مسئولیت‌پذیری زیر سایه تعلیم دینی و خداپاوری و توحید تعقیب شود.

از دیدگاه این دو بزرگ، درباره معنای زندگی فراوان می‌توان نوشت. علامه جعفری حتی کتابی با عنوان «فلسفه و هدف زندگی» هم دارد. هر دو معتقدند که این معناجویی و رسیدن به معنا، نقطه آغاز بخش شناخت خود است. وقتی شما دست به شناخت عمیق خود می‌زنید، منجر می‌شوید که هویت شما به‌عنوان یک انسان چه هویتی است و این هویت نمی‌تواند مصنوعی و ساختگی و ظاهری باشد. به نگاه علامه جعفری، انسان وهستی کاملا معنادار است و شناخت خود، منجر به کشف این معناداری هستی و انسان نیز می‌شود. علامه طباطبایی هم اعتقاد دارد که عالم هستی هدفمند آفریده شده است؛ پس هر پدیده‌ای هدف خاص خودش را دارد و مهم کشف این هدف‌هاست. پس انسان اگر بی‌هدف مانده است، در واقع این به‌معنای بی‌هدف بودن انسان وهستی نیست؛ به‌معنای عدم کشفش آن توسط آدمی باید قلمداد شود. به نگاه علامه جعفری، رهایی از خود طبیعی برای رسیدن به خود حقیقی، اهمیت زیادی دارد. به قول او، انسانی که در حیات معقول زیست می‌کند، خود را جدا از جهان هستی نمی‌داند و می‌داند که بخشی از این وسعت بی‌پایان است. به همین دلیل برای خودش غایتی وهدفی و غرضی در نظر می‌گیرد؛ غایتی که نپایش منطق جاذبه الهی است. همه اینها منجر به این می‌شود که شما خودتان را بپوهده خلق شده درک نکنید؛ چرا که اساسا در این هستی چیزی بی‌هدف نیست که شما در صف بعدی‌اش باشید. تصور کنید که این دیدگاه معناگر، چقدر تفاوت دارد با دیدگاه غالب دنیای مدرن که در آن، آدمی به‌شدت بی‌معنا شده وهس می‌کند که احتمالا غرضی در خلقتش وجود نداشته وندار. طبیعی است هر کدام، سبک زندگی منحصر و خاص خودش را نیز تولید خواهد کرد.

نگاه

خانه‌هایی چه خنک



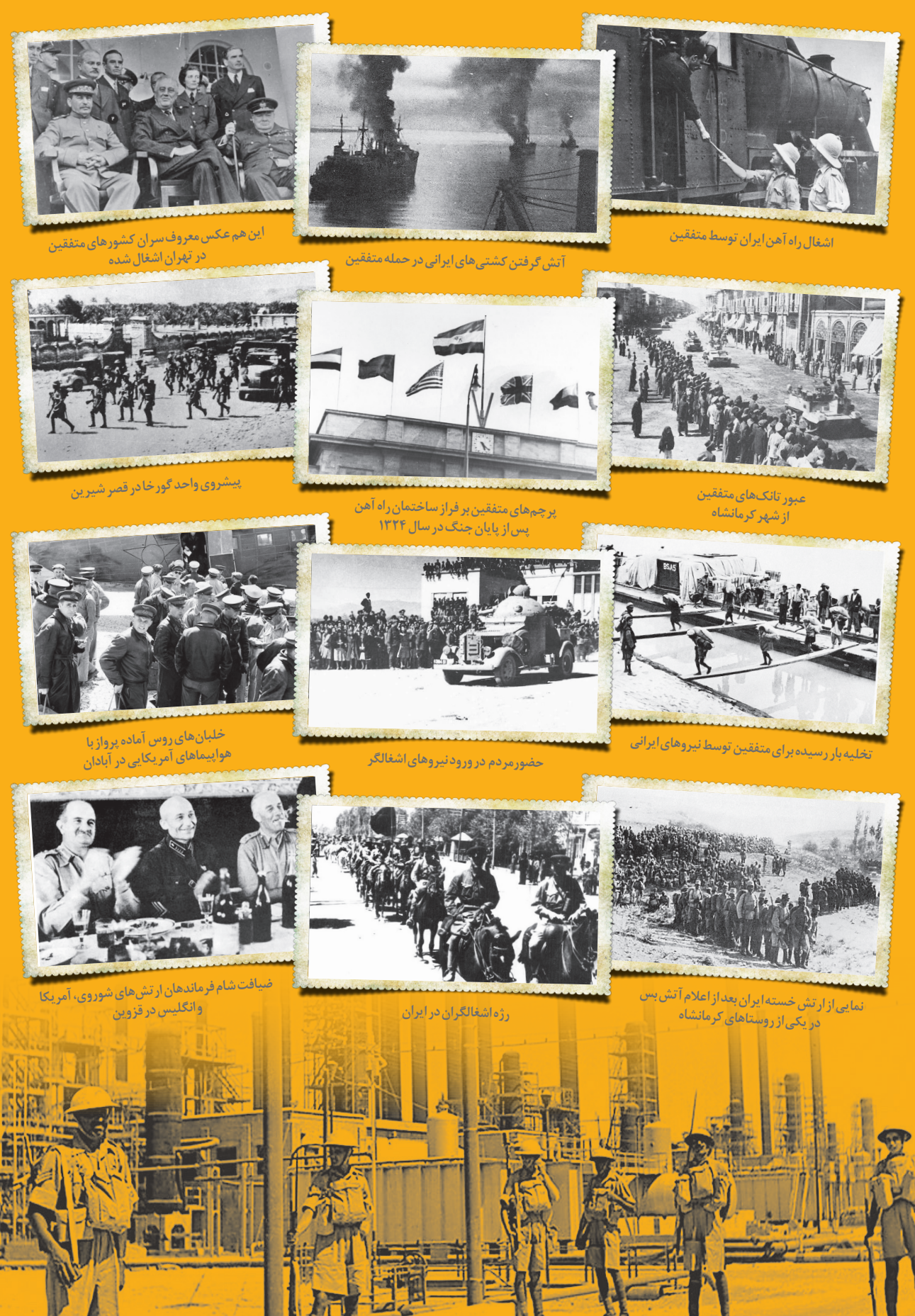
یکی از کاربران شبکه مجازی ایکس یا توئیتر سابق، رشته توپیت جالبی در این باره نگاشته است که چرا خانه‌های قدیمی بدون کولر خنک بوده‌اند، ولی خانه‌های امروزی به محض اینکه یک ساعت برقی می‌رود، به این شدت گرم می‌شوند؟ به نکته‌های جالبی نیز اشاره کرده است. او ابتدا به حضور بادگیرها در یزد و سواحل و جزایر خلیج فارس اشاره می‌کند که یک خنک‌کننده بوده است. بادگیرها هوا را به سمت حوضی هدایت می‌کردند و از آنجابه کل خانه سرایت می‌دادند. وجود حیاط مرکزی و یاغچه وهوض هم دلیل دیگر بوده است. به روایت این کاربر، وجود عناصر دیگری در معماری سنتی ایرانی چون ایوان عمیق، خشت وهگل، سرداب وهیزمین ... باعث می‌شد که شهرهای کویری بی‌هیچ امکاناتی، بتوانند تابستان‌های جهنمی را با کیفیت قابل‌قبول بگذرانند. درحالی‌که امروزه کولر جایگزین همه آنها شده که با یک ساعت قطع برقی، وضع چنین می‌شود.

شهریور سیاه

نیم‌نگاهی به اشغال ایران توسط متفقین در سال ۱۳۲۰



عبسی محمدی | **روزنامه‌نگار** | آنشهریور هم برای خودش ماه عجیبی است؛ خیلی‌ها یاد آخرین سفرهایی که باید بروند می‌افتند وهخیلی‌ها خودشان را برای مدرسه بچه‌ها آماده می‌کنند وهخیلی‌ها هم منتظر نشسته‌اند یابیز خنک از راه برسد و... اما جدا از همه مناسبت‌هایی که شهریور دارد، یک تلخی خاصی هم در آن به چشم می‌خورد؛ تلخی خاصی که به شهریور ۱۳۲۰ بازمی‌گردد. اما مگر چه اتفاقی افتاد در آن سال‌ها و در ایران؟ جنگ جهانی دوم بود. ایران اعلام بی‌طرفی کرده بود، اما متفقین وهخصوصا روس‌ها، بهانه‌ای ساخته بودند تحت عنوان حضور نیروها وهمتخصصان آلمانی در ایران وانگه ایران به سمت هیتلر گرایش دارد. همین باعث شد تا در ظاهر، به ایران اولتیماتومی بدهند که این نیروها را اخراج کند. در نهایت تصمیم گرفتند به ایران حمله کنند؛ روس‌ها از شمال وانگلیسی‌ها از جنوب. همه این وقایع تلخ از ابتدای شهریور شروع شد و تا پایان شهرپور، ما در اشغال کامل متفقین بودیم. هنوز هم برخی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایی که سن بالایی دارند، خاطرات آن روزهای تلخ وهفطی وهتغیر و... را به یاد دارند. ر شاهانه هم به محض اینکه خبر سقوط



هشتگ

وقتی سامورایی فالوده می‌خورد!



ماچا شیرازی

ماچا، شرب سیروپ بهار نارنج، رشته های فالوده، یخ

افزودن

این روزها اگر در اینستاگرام وهشبکه‌های اجتماعی چرخ بزنید، محال است جشمتان به لیوان‌های سبیز رنگی نینشاده باشد که داخلشان یک چیزی شبیه نودل شناور است وهملت زیرش مشغول جدل‌های فرهنگی هستند.

قضیه از این قرار است که کافه‌ای در شیراز، شهر ششعر و ادب وهبهار نارنج، تصمیم گرفته به رسالت تاریخی خود عمل کند وهطعم عجیب وهغریب «ماچا» را با هنر بومی نجات دهد.

بله، در ست شنیدید، «ماچا ششیرازی»؛ ترکیبی که در آن، پودر سبیز زاینی که طعمش بین جلبیک در بایی وهچمن تازه در نوسان است، با عرق بهار نارنج و رشته‌های فالوده شیرازی پیوند خورده وهبه یک نوشیدنی جدید تبدیل شده است.

تصور کنید، یک سسامورایی آرام و اخمو را مجبور کرده‌اند در باغ دلگشا دواتیبل فالوده بخورد؛ خروخی‌اش می‌شود همین نوشیدنی! اما اصل ماجرا، واکنش‌ها در فضای مجازی است.

یک کاربر تیزبین با نگاهی کار آگاهانه نوشته: «این کافه هرچی آخر شب ته یخچال اضافه میاد رو فردا می‌ریزه توماجا. احتمالا میگه این خودش مزه جلبیک میده، دیگه بدتر از این نمیشه که!» کاربر دیگری گفته: «کاش ماچا هیچ وقت از ژاپن خارج نشده بود... البته در این میان، گروهی هم هستند که این اقدام را تنها راه نجات ماچا از انزوای داندند وهمعتقدند «تنها چیزی که می‌تونه ماچا رو قابل تحمل کنه همینه»، به‌نظر می‌رسد این کافه، ناخواسته یک همه‌پرسی ملی درباره طعم ماچا برگزار کرده وهفلا جناح «فالوده وهبهار نارنج» با اختلاف پیشتاز است. حالا باید منتظر ماند و دید موج بعدی این نوآوری‌ها ما را به کجا می‌برد.

عکس خانه

پرده آخر



۲ تصویر، یک دیوار؛ دیواری میان هیاهوی زندگی وهسکوت مرگ. قاب نخست، سینمار کس آبادان را در یک روز عادی پیش از فاجعه به تصویر می‌کشد؛ مردم در رفت وامدند وهپوستر فیلم «گوزن‌ها» بر سردر سینما، نویدبخش یک عصر فرهنگی است. اما قاب دوم، همان مکان را پس از شامگاه تلخ ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ نشان می‌دهد؛ ویرانه‌ای سوخته که جز خاکستر وهسندلی‌های در هم‌شکسته، چیزی از آن باقی نمانده است. آتش سوزی عمدی سینمار کس، یکی از هولناک‌ترین تراژدی‌های انسانی در تاریخ معاصر ایران است. در این جایت، صدها نفر از شهروندان که برای تماشای فیلم گردآمده بودند، در میان شعله‌های آتش محبوس شده وهزنده در آتش سوختند. این فاجعه، تنها یک حادثه نبود، بلکه نقطه عطفی بود که خشم عمومی را علیه رژیم پهلوی شعله‌ور کرد وهروند انقلاب اسلامی را شتاب بخشید. این دو تصویر که به تازگی در فضای مجازی پراز دید شده‌اند، سسندی گویا از زخمی عمیق بر حافظه تاریخی ملت ایران است؛ یادآور شبی که پرده سینما برای صدها انسان بی‌گناه، به پرده آخر زندگی تبدیل شد.

